

با مردم ۰۲۳۳۳۷۲۳۳۷
تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷۲

خروچی صدر به مدرس شمال مرمت شود

خروچی بزرگراه صدر به مدرس شمال بسیار پر دست انداز و نیازمند ترمیم آسفالت است. با توجه به اینکه گردش خودروها در این خروچی اجتناب‌ناپذیر است جادار در سریع‌تر نسبت به ترمیم این خروچی پر تردد اقدام کند.

ذوالقدر از تهران
میلگردهای نصب‌شده در خیابان ۱۰ تیر و رامین خطر آفرین هستند در پیاده‌رو خیابان شهسپای ۱۰ تیر ورامین نزدیک بانک رفاه چند میلگرد با سرپیچ فلزی به ارتفاع ۱۰ سانتی متر و نزدیک به هم وجود دارد که برای عابران خصوصاً در شیب و نبود دید کافی خطر آفرین هستند. از شهرداری تقاضا داریم تا نسبت به جمع‌آوری این میلگردها اقدام کنند.

عابدی از ورامین
پل مکانیزه میدان خراسان راه اندازی شود
حدود یک سال است که پل مکانیزه میدان خراسان واقع در ابتدای خیابان خلوران بسته است و پیگیریی ماز ۱۳۷ و ۱۸۸۸ هم به رغم دریافت کد پیگیری به نتیجه نرسیده است. بسته بودن این پل علاوه بر ایجاد ترافیک، موجب هدر فتره تصادف هم شده است. لطفاً هر چه سریع‌تر نسبت به راه‌اندازی این پل اقدام کنید.
محبی از تهران
دستفروشان فاز یک اندیشه ساماندهی شوند
تجمع دستفروشان در معبر اصلی در فاز یک شهرک اندیشه نه تنها موجب کندی و اختلال در عبور و مرور عابران می‌شود بلکه کسب و کار ما مغازه دارانی را که مالیات و اجاره سنگینی در این شرایط اقتصادی می‌پردازیم را تحت تأثیر قرار داده است. از شهرداری منطقه خواهمشدمدیم نسبت به ساماندهی این افراد در یک محل مناسب اقدام کنند تا هم این عزیزان کسب در آمد کنند و هم بازار ما ز رونق نیفتد.

دستفروشان فاز یک اندیشه ساماندهی شوند

تجمع دستفروشان در معبر اصلی در فاز یک شهرک اندیشه نه تنها موجب کندی و اختلال در عبور و مرور عابران می‌شود بلکه کسب و کار ما مغازه دارانی را که مالیات و اجاره سنگینی در این شرایط اقتصادی می‌پردازیم را تحت تأثیر قرار داده است. از شهرداری منطقه خواهمشدمدیم نسبت به ساماندهی این افراد در یک محل مناسب اقدام کنند تا هم این عزیزان کسب در آمد کنند و هم بازار ما ز رونق نیفتد.

برای ثبت نام دختر به مدرسه‌ای در اردیبل مراجعه کردیم و پس از ثبت نام فیش بانکی به مبلغ دومیلیون و ۵۰۰ هزار تومان به دستمان دادند که عنوان هدیه به مدرسه ما را پرداخت آن اجباری است. این هدیه اجباری شامل تجهیزات کارگاهی، حمل و نقل، پوشه و فرهای ثبت نام، بازدید از مراکز علمی و فرهنگی، کمک هزینه‌های جاری مدرسه و... بود که چون دخترم کم سن و سال است و ممکن است اضطراب بگیرد در آنجا رقم را برنماید چون و چرا پرداختیم ولی پس از آن به دنبال شکایت از مدرسه بودیم که تاکنون به جایی نرسیده است. سؤال این است که هدیه اجباری چه توجیهی دارد و چرا آموزش و پرورش جلوی این کار را نمی‌گیرد.

جلال پور از اردیبل

تغییرات شماره تلفن سازمان ها و ادارات به ۱۱۸ اطلاع رسانی شود
برای پیگیری موضوعی باید با یکی از سازمان های زیر مجموعه شهرداری تهران تماس می گرفتیم. چند شماره از ۱۱۸ دریافت کردم که متأسفانه هیچ کدام پاسخگو نداشت. این اتفاق چندبار دیگر هم در رابطه با بعضی ارگان ها افتاده است. قانونی باشد که سازمان ها مکلف شوند در صورت تغییر شماره تلفن های خود، این موضوع را به ۱۱۸ اطلاع دهند تا مردم سرگردان نشده و برای دریافت یک جواب ساده مجبور به مراجعه حضوری نشوند.

نظارت بر نرخ آب تصفیه شده در گناوه ضروری است
اخیرا در گناوه قیمت آب تصفیه شده از لیتری ۵ هزار تومان بدون هیچ اعلام قبلی به ۸ هزار تومان رسیده و مردم را غافلگیر کرده است اگر در برخی نقاط مشکل ثانوایی است در گناوه آب اولویت است. اگر مردم نتوانند آب شرب تصفیه بخیرند واقعا نگران کننده است چرا که حیات جامعه به خطر می افتد. لطفاً بر قیمت آب در این شهر نظارت شود.

طرح طبقه بندی مشاغل در کارخانه بزرگ آژ تاول تایر اجرایی نشد
اجرای طبقه بندی مشاغل عادلانه و صحیح، حق همه کارگران مشمول قانون کار است درحالی که کارخانهای به بزرگی آژ تاول تایر چنین طرحی را اجرایی نکرده است. افزایش سنسنوایی حقوق نمی تواند برای پرسنل کارساز باشد اما طرح طبقه بندی مشاغل تنها راه افزایش میزان درآمد کارگران است. هم اکنون با ساعات کار زیاد مجبور به اضافه کاری و تعطیل کاری هستیم و حتی در تایم ناهار مجبور هستیم نوبتی ناهار بخوریم تا دستگاه ها خاموش نشود اما هیچ مزایایی برای این قبیل کارها لحاظ نمی شود. جادارد مسئولان بر کار خجانتان و اجرای قوانین کار در آنها نظارت کنند.

طاهر خانی از قزوین

رفتار و عملکرد کارکنان بانک نیازمند نظارت بیشتری است

برای دریافت رمز اینترنتی به یکی از شعبات بانک ملت واقع در خیابان جمهوری مراجعه کردم. بعد از مدت ها انتظار در صف هر باجه مرا به اجابه دیگری پاس می داد و برای دریافت یک رمز ساده مدت طولانی مرا معطل کردند. وقتی هم که اعتراضی کردم بر خودر مناسب و مودبانه‌ای نداشتند. مگر کارکنان بانک با اصول خود بانکها، وظیفه‌ای جز خدمت رسانی و راه اندازی کار مردم دارند؟

رشیدی از تهران

دو قاتل که در یک قدمی چوبه دار بودند با گذشت اولیای دم به زندگی بازگشتند

خانواده مردی جوان که درگیری با مرد آشنایی جانثی را از دست بوده با دریافت دیه، قاتل را بخشیدند تا این پول را صرف کمک به ایسام و نیازمندان کنند.

همزمان با این اتفاق، جوان دیگری که در پی اختلافات مالی دست به جنایت زده بود و در یک قدمی قصاص قرار داشت نیز با گذشت اولیای دم از مجازات مرگ رهایی یافت.

به گزارش همشهری، نخستین پرونده حوالی نیمه شب س‌ام شهرپور سال ۹۹ به جریان افتاد. آن شب حادثه خونینی در حوالی میدان نوینباد تهران رخ داد و رهگذران ۴مرد جوان را دیدند که با هم گلاویز شده بودند و یکی از آنها با چاقو ضربه‌ای به پهلوی دیگری زد و فرار کرد.

در این میان زن جوانی که او هم در صحنه درگیری حضور داشت با فریاد از مردم کمک خواست و با حضور آمبولانس، جوان مجروح به بیمارستان انتقال یافت. تلاش پزشکان برای نجات این جوان ۲۴ساله آغاز شد و همزمان مأموران پلیس با حضور در محل حادثه ضارب را که دوباره به آنجا برگشته بود تا سر و گوشی آب دهنه دستگیر کردند. یک روز پس از دستگیری این مرد از بیمارستان خبر رسید که جوان مصدوم جانثی را از دست داده است و با گزارش ماجرا به تیم جنایی پایتخت، تحقیقات را عامل جنایت آغاز شد. او با اعتراف به قتل جوان ۲۴ساله گفت: حدود ۸ماه قبل ازدواج کردم. من و همسر در ۲ارستوران مختلف کار می‌کردیم و از زندگی مان راضی بودم تا اینکه چند وقت قبل متوجه شدم همسر خیلی ناراحت است. وقتی علت را از او پرسیدم متوجه شدم فردی پشت سر او گدویی کرده است. آن فرد مدیر داخلی رستورانی بود که همسر در آنجا کار می‌کرد. متهم ادامه داد: با شنیدن حرف‌های همسرم چنان عصبانی شدم که به سراغ آن مرد رفتم و او را خواستم دیگر همسر ما اذیت نکنند. حتی او را تهدید کردم اما صحبت‌ها به نتیجه نرسید. فایده بود. او دست بردار نبود و همین باعث شد نقشه قتل او را بکشم.

وی ادامه داد: شب حادثه با این مرد در میدان نوینباد قرار گذاشتم و همسر نیز همراه آمد. همسر از نقشه قتلی که در سر داشتم بی‌خبر بود. تصورش این بود که قرار است با همکارش صحبت کنیم اما وقتی سر قرار رسیدم با آن مرد درگیر شدم و با چاقویی که همراه بود ضربه‌ای به او زدم. جوان تازه داماد ادامه داد: پس از آنکه به او ضربه زدم فرار کرد اما هنگامی که با تمام قدرت می‌دویدم یاد همسر افتادم. تازه فهمیدم که او همراه نیست و درحالی که شودم که شده در محل حادثه مانده است. به‌خاطر همسر به محل حادثه برگشتم که پلیس دستگیرم کرد.

تازه داماد پس از اقرار به جنایت روانه زندان شد و پس از مدتی به بازسازی صحنه قتل پرداخت. پس از آن زمان زیادی طول کشید که پرونده به صدور کیفر خواست منجر و برای ادامه روند رسیدگی و صدور حکم به دادگاه کیفری فرستاده شد. متهم به قتل پای میز محاکمه رفت و به قصاص محکوم شد و هم‌ک نیز به تأیید قضات دیوان عالی کشور رسید. به این ترتیب پرونده به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد تا مقدمات اجرای حکم فراهم شود. حدود ۴ماه و نیم قبل زمانی بود که برای قصاص تازه داماد در نظر گرفته شده بود و اگر چه او پای چوبه دار رفت اما پدر و مادر مقتول حاضر به اجرای حکم قاتل پدرشان نشدند و به او مهلت دادند. آن پس تلاش صلح و سازش دادسرای جنایی تهران برای جلب رضایت از اولیای دم شروع شد تا اینکه آنها به خاطر رضای خدا حاضر شدند قاتل را ببخشند. آنها شرط گذاشتند تا پس از

دادرسی جنایی تهران ادعای عجیبی را مطرح کرد. او مدعی است دختر نوجوان را ربوده تا او را نجات دهد!
به گزارش همشهری، شامگاه جمعه گذشته افرادی که برای تفریح به پارک در جنوب تهران رفته بودند شاهد صحنه عجیبی بودند. در نقطه خلوتی از پارک، مردی جوان درحالی که دختری نوجوان را با چاقو تهدید می‌کرد او را روی زمین می‌کشید. دختر نوجوان گریه می‌کرد و شاهدان فوراً با پلیس تماس گرفتند. همزمان پدر دختر نوجوان که خانه‌شان در آن حوالی بود و به‌دنبال دخترش به پارک آمده بود، از راه رسید و با دیدن این صحنه برای نجات دخترش وارد عمل شد. از سوی دیگر مأموران پلیس نیز در پارک حاضر شدند و مرد چاقو به‌دست را دستگیر کردند. دختر نوجوان که تبعه افغانستان است و از این ماجرا وحشت کرده بود به مأموران گفت: به همراه دوستانم برای تفریح و هواخوری به پارک آمده بودیم که ناگهان مردی به سمتم هجوم آورد و در مقابل چشمانم به‌ت‌زده دوستانم، چاقویی زیر گلویم گذاشت و با تهدید از من خواست تا همراهش بروم. وی ادامه داد: از رفتار و حرف‌هایش فهمیدم که او قصد داشت با گروه‌گان گرفتار من، طلاهاش را سرقت و مرا مورد آزار و اذیت قرار دهد اما سر بزنگاه، پدرم که به‌دنبال من آمده بود و مأموران رسیدند و نجاتم دادند. متهم گروه‌گانگیر بازداشت شد و دیروز برای انجام تحقیق ادعای عجیبی را مطرح کرد و گفت: دختر نوجوان از هموطنانم بود و او را می‌شناختم. معمولاً او را در پارک می‌دیدم مشغول پیاده‌روی بود اما شب حادثه متوجه شدم افراد دیگری دور او جمع شده‌اند. تصور کردم که آنها مرا مزاحش شده‌اند و باید نجاتش دهم. به سمتشان رفتم اما دختر نوجوان گفت که آنها دوستانش هستند. اما فکر کردم از ترسش چنین ادعایی مطرح می‌کند. برای همین او را همراهم کشیدم که از دست مزاحمان نجات و تحویل پدرش بدهم. اما همان لحظه پدرش رسید و همه تصور کردند قصد زورگیری و ربودن دختر نوجوان را دارم. متهم که معتاد به گل و تریاکی است در ادامه با دستور بازپرس جنایی تهران بازداشت شد و تحقیق از او ادامه دارد.

مرد افغان که به اتهام ربودن یک دختر نوجوان بازداشت شده، در دادسرای جنایی تهران ادعای عجیبی را مطرح کرد. او مدعی است دختر نوجوان را ربوده تا او را نجات دهد!
به گزارش همشهری، شامگاه جمعه گذشته افرادی که برای تفریح به پارکی در جنوب تهران رفته بودند شاهد صحنه عجیبی بودند. در نقطه خلوتی از پارک، مردی جوان درحالی که دختری نوجوان را با چاقو تهدید می‌کرد او را روی زمین می‌کشید. دختر نوجوان گریه می‌کرد و شاهدان فوراً با پلیس تماس گرفتند. همزمان پدر دختر نوجوان که خانه‌شان در آن حوالی بود و به‌دنبال دخترش به پارک آمده بود، از راه رسید و با دیدن این صحنه برای نجات دخترش وارد عمل شد. از سوی دیگر مأموران پلیس نیز در پارک حاضر شدند و مرد چاقو به‌دست را دستگیر کردند. دختر نوجوان که تبعه افغانستان است و از این ماجرا وحشت کرده بود به مأموران گفت: به همراه دوستانم برای تفریح و هواخوری به پارک آمده بودیم که ناگهان مردی به سمتم هجوم آورد و در مقابل چشمانم به‌ت‌زده دوستانم، چاقویی زیر گلویم گذاشت و با تهدید از من خواست تا همراهش بروم. وی ادامه داد: از رفتار و حرف‌هایش فهمیدم که او قصد داشت با گروه‌گان گرفتار من، طلاهاش را سرقت و مرا مورد آزار و اذیت قرار دهد اما سر بزنگاه، پدرم که به‌دنبال من آمده بود و مأموران رسیدند و نجاتم دادند. متهم گروه‌گانگیر بازداشت شد و دیروز برای انجام تحقیق ادعای عجیبی را مطرح کرد و گفت: دختر نوجوان از هموطنانم بود و او را می‌شناختم. معمولاً او را در پارک می‌دیدم مشغول پیاده‌روی بود اما شب حادثه متوجه شدم افراد دیگری دور او جمع شده‌اند. تصور کردم که آنها مرا مزاحش شده‌اند و باید نجاتش دهم. به سمتشان رفتم اما دختر نوجوان گفت که آنها دوستانش هستند. اما فکر کردم از ترسش چنین ادعایی مطرح می‌کند. برای همین او را همراهم کشیدم که از دست مزاحمان نجات و تحویل پدرش بدهم. اما همان لحظه پدرش رسید و همه تصور کردند قصد زورگیری و ربودن دختر نوجوان را دارم. متهم که معتاد به گل و تریاکی است در ادامه با دستور بازپرس جنایی تهران بازداشت شد و تحقیق از او ادامه دارد.

لبنیات در میدان تزه‌بار تخفیف نداشت
چندی قبل اعلام شد که کالاهای عرضه شده در میدان تزه‌بار شهرداری تهران همگی با تخفیف عرضه می‌شوند و در مورد تخفیف‌های آن اطلاع‌رسانی ویژه شد. پس از این جریان ضمن خرید همیشگی میوه و سبزیجات اقدام به خرید ماست و پنیر و چند قلم دیگر هم کردیم که هیچ کدام مشمول تخفیف نبودند درحالی که در فروشگاه‌های زنجیره‌ای از جمله شهروند این قبیل کالاها هر کدام تا ۱۰ درصد تخفیف دارند.

پیمان از تهران
طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارخانه بزرگ آژ تاول تایر اجرایی نشد
اجرای طبقه‌بندی مشاغل عادلانه و صحیح، حق همه کارگران مشمول قانون کار است درحالی که کارخانهای به بزرگی آژ تاول تایر چنین طرحی را اجرایی نکرده است. افزایش سنسنوایی حقوق نمی تواند برای پرسنل کارساز باشد اما طرح طبقه بندی مشاغل تنها راه افزایش میزان درآمد کارگران است. هم اکنون با ساعات کار زیاد مجبور به اضافه کاری و تعطیل کاری هستیم و حتی در تایم ناهار مجبور هستیم نوبتی ناهار بخوریم تا دستگاه ها خاموش نشود اما هیچ مزایایی برای این قبیل کارها لحاظ نمی شود. جادارد مسئولان بر کار خجانتان و اجرای قوانین کار در آنها نظارت کنند.

طرح طبقه بندی مشاغل در کارخانه بزرگ آژ تاول تایر اجرایی نشد
اجرای طبقه بندی مشاغل عادلانه و صحیح، حق همه کارگران مشمول قانون کار است درحالی که کارخانهای به بزرگی آژ تاول تایر چنین طرحی را اجرایی نکرده است. افزایش سنسنوایی حقوق نمی تواند برای پرسنل کارساز باشد اما طرح طبقه بندی مشاغل تنها راه افزایش میزان درآمد کارگران است. هم اکنون با ساعات کار زیاد مجبور به اضافه کاری و تعطیل کاری هستیم و حتی در تایم ناهار مجبور هستیم نوبتی ناهار بخوریم تا دستگاه ها خاموش نشود اما هیچ مزایایی برای این قبیل کارها لحاظ نمی شود. جادارد مسئولان بر کار خجانتان و اجرای قوانین کار در آنها نظارت کنند.

دواخت

بخشش قاتل برای کمک به ایتام

دریافت دیه، آن را خرج امور خیریه و نیازمندان کنند. به این ترتیب روز گذشته اولیای دم در دادسرا حاضر شدند و پس از دریافت دیه پای برکه رضایت را امضا کردند. برادر مقتول که به همراه پدرش در دادسرا حضور یافته بود به همشهری گفت: برادر جوانم بی‌گناه به قتل رسید درحالی که مستحق مرگ نبود. فردی بی‌لیل جانثی را گرفت و همه ما را عزادار کرد. این اتفاق تلخ، موجب شد تا پدر و مادر هم گر نزنوانند مثل سابق زندگی کنند. مادر هم روز اشک می‌ریزد و همه ما دلمان برای برادر از دست رفته‌مان تنگ شده است. وی ادامه داد: پدر و مادرم پس از این داغ سنگین اصرار بر قصاص قاتل پسرشان داشتند تا اینکه روز اجرا فرار رسید. همه در راه زندان بودیم و قرار بود پدر و مادرم حکم قصاص را اجرا کنند اما در بین راه پشیمان شدند. انگار با خدا معامله کرده بودند، پدرم می‌گفت در ست نیست که ما هم جان یک انسان را بگیریم و پدر و مادر دیگری را عزادار کنیم. مادرم هم نگرش همین بود و دلش نمی‌خواست به زندگی یک جوان پایان بدهد. از این‌رو تصمیم سخت و بزرگشان را گرفتند؛ آنها تصمیم گرفتند تا به قاتل پسرشان زندگی ببخشند. وی ادامه داد: قرار است دیه را صرف امور خیریه و خرج نیازمندان کنیم تا روح برادرم در آرامش باشد. از سوی دیگر شنیده‌ایم که قاتل توبه کرده و پشیمان است. او در زندان رفتارهای مناسبی دارد و از جرمی که مرتکب شده به‌شدت نادم است. پدر و مادرم به‌خاطر خدای قاتل زندگی بخشیدند و اعتقاداتشان

دومین قاتلی که د پرواز مجازات قصاص گریخت، مردی بود که ۱۵سفند سال ۹۸ به همدستی دوستانش جان مردی را گرفت. ماجسرا از آن قرار بود که روز حادثه مردی به اورژانس زنگ زد و گفت که یکی از دوستانش حاش شد و خون آلود کنار جدول خیابان افتاده است. او آدرس را که حوالی تهران‌نوبود به اپراتور ۱۱۵اعلام کرد و با اعلام‌گران اورژانس راهی آنجا شد و با جسد مردی که آثار ضرب و شتم و چاقو روی بدنش بود روبه‌رو شدند. اما از تماس گیرنده خبری نبود. با حضور پلیس و آغاز تحقیقات، شاهدان گفتند که جسد مقتول را سر نشینان یک خودروی سمند در این محل رها کرده و متواری شده‌اند. در ادامه صاحب سمند دستگیر شد، اما ادعای عجیبی را مطرح کرد. او گفت: زمانی که در حال آلودنگی بودم، مقتول که با مرد دیگری روی صندلی عقب نشسته بودند به قتل رسید و من نقشی در این جنایت ندارم. این اتهام توضیح داد: روز حادثه تریکی از دوستانم به نام سیروس نزد من آمد و گفت که می‌خواهد از یکی از دوستانش به نام سجاد انتقام بگیرد. من هم به‌خاطر رفاقتی که داشتم قبول کردم. سیروس و همسرش سوسار ماشین سمند من را بازداشت کرد و سجاد در حوالی ماهدشت کرج رفتیم. نقشه این بود که او را به کمپ ترک اعتیاد ببریم و برایش پاشوش درست کنیم که معتاد است تا در آنجا بستری شود. بعد از اینکه او را سوار ماشین کردیم، من در حال رانندگی بودم



که متوجه شدم سجاد و سیروس که عقب ماشین بودند باهم درگیر شده‌اند. سجاد نمی‌خواست به کمپ برود و ناگهان سیروس فریاد زد توقف کن. وقتی توقف کردم، سیروس به اورژانس زنگ زد و بعد سجاد را به بیرون از ماشین انداخت. پس از آن حرکت کردیم و من اصلاً متوجه نشدم که بین آنها چه اتفاقی رخ داده و سجاد چطور به قتل رسیده است. پس از ادعای عجیب این مرد، قاضی وی را بازداشت کرد و تحقیقات کارآگاهان برای دستگیری سیروس و همسر او (۱۳رشنشین کرد) آغاز شد. در ادامه مأموران زوج جوان را بازداشت کردند اما آنها انگشت اتهام را به سمت دوستشان یعنی راننده سمند گرفتند و گفتند او مرتکب قتل شده است. مرد جوان گفت: مقتول شش‌ریک کاری من بود که با سندساز اموال و سرمایه‌ام و حتی کارگاه میل‌سازی متعلق به من را



این است که خدا خودش مجازات می‌کند و به جای انتقام باید بخشید. در این پرونده با گذشت اولیای دم، مرد محکوم به قصاص از مجازات مرگ گریخت تا به زودی از لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شود.

تصاحب کرد بود. او برای اجرای این توطئه، ابتدا مرا به یک کمپ ترک اعتیاد برده و در آنجا زندانی کرده و بعد اموال مرا تصاحب کرد. وی ادامه داد: من هدفم این بود که سجاد (مقتول) را در کمپ زندانی کنم و به اموالم برس و قصد کشتن او را نداشتم. روز حادثه وقتی او را سوار ماشین کردیم، مدام تقلا می‌کرد و قصد داشت فرار کند. دست و پایش را بستیم و کتکش زدیم اما من فقط مشت و لگد زدم و مجبئی (راننده سمند) او را با چاقو زد. پس از آن سجاد ناگهان از هوش رفت و ما تصمیم گرفتیم او را نزد یک بیمارستان رها کنیم تا نجات یابد. بعد از آن به خانه مجبئی (راننده سمند) رفتیم. وقتی آنجا بودیم در فرصت مناسب و زمانی که مجبئی در آشپزخانه سس‌گرم پختن غذا بود، دست به سرقت طلا و دلارهایی که در کمد خانه‌اش بود بردیم و فرار کردیم. ما در ارومیه طلا و دلارها را فروختیم. خانه‌ای اجاره کردیم تا اینکه دستگیر شدیم. حال‌ها هم حدسی می‌زنم مجبئی به‌دلیل اینکه ما دلارها و طلاهایش را در زده‌ایم عصبانی است و خواسته جنایت را گردن ما بیندازد که انتقام بگیرد.

۲متهم این پرونده پس از مدتی در شعبه دوم دادگاه کیفری محاکمه شدند که ۲مرد جوان به اتهام مشارکت در قتل به قصاص محکوم شدند. یکی از آنها که حکم قصاصش تأیید شده و در یک قدمی مجازات مرگ بود سبوح دیروز با بخش اولیای دم از مجازات مرگ گریخت و حالا تلاش‌ها برای گرفتن رضایت خانواده مقتول درباره دومین قاتل ادامه دارد.

که متوجه شدم سجاد و سیروس که عقب ماشین بودند باهم درگیر شده‌اند. سجاد نمی‌خواست به کمپ برود و ناگهان سیروس فریاد زد توقف کن. وقتی توقف کردم، سیروس به اورژانس زنگ زد و بعد سجاد را به بیرون از ماشین انداخت. پس از آن حرکت کردیم و من اصلاً متوجه نشدم که بین آنها چه اتفاقی رخ داده و سجاد چطور به قتل رسیده است. پس از ادعای عجیب این مرد، قاضی وی را بازداشت کرد و تحقیقات کارآگاهان برای دستگیری سیروس و همسر او (۱۳رشنشین کرد) آغاز شد. در ادامه مأموران زوج جوان را بازداشت کردند اما آنها انگشت اتهام را به سمت دوستشان یعنی راننده سمند گرفتند و گفتند او مرتکب قتل شده است. مرد جوان گفت: مقتول شش‌ریک کاری من بود که با سندساز اموال و سرمایه‌ام و حتی کارگاه میل‌سازی متعلق به من را

قاضی دادگاه کیفری یک استان تهران به این پرسش پاسخ می‌دهد

آیا قاتل محیط بان قصاص می‌شود؟

تحقیقات پلیس برای دستگیری عامل قتل برومند نجفی، محیط‌بانی که به اتهام قتل به قصاص محکوم شده بود همچنان در جریان است و هنوز مأموران نتوانسته‌اند قاتل و همدستش را دستگیر کنند. اما حالا این سؤال مطرح است که آیا قاتل که پسر است به‌دست محیط‌بان نجفی به قتل رسیده و شاک‌ی این پرونده بود در صورت دستگیری قصاص می‌شود؟

به گزارش همشهری، براساس محتویات این پرونده جنجالی شامگاه ۱مرداد۱۳۹۹، برومند نجفی یکی از محیط‌بانان کرمانشاه در جریان تیراندازی به‌سوی یک دستگاه خودروی پراید که گمان می‌کرد حامل شکار چپیان غیر مجاز است یکی از آنها به نام یوسف را به قتل رساند. به‌دنبال این حادثه محیط‌بان به اتهام قتل عمدی دستگیر و با رأی دادگاه به قصاص محکوم شد. این رأی در دیوان عالی کشور نیز مهر تأیید خورد و همه‌چیز برای اجرای حکم آماده بود اما چندی قبل درخواست اعاده دادرسی متهم پذیرفته شد تا او بار دیگر در دادگاه محاکمه شود. صبح همین روز برای قتل بازرسی جلسه دور تازه محاکمه برومند در داد گستری کرمانشاه بر گزار شده بود پس از پایان جلسه پدر مقتول و یکی از نزدیکانش به‌سوی برومند و مأمور بدرقه زندان حمله کردند. پدر مقتول با شلیک ۳گلوله محیط‌بان نجفی را به قتل رساند و همدستش یعنی پدر نیز سربازی را که مأمور بدرقه زندان بود مجروح کرد. پس از آن هر دو متواری شدند و از آن زمان پلیس تحقیقات خود برای دستگیری قاتل را آغاز کرده اما تاکنون مأموران نتوانسته‌اند او را دستگیر کنند.

پیچیدگی قضایی
به‌دنبال وقوع این حادثه این پرسش اساسی مطرح است که پدر یوسف(جوانی که توسط محیط‌بان نجفی به قتل رسید) که خودش هم دو واز برومند نجفی شاک‌ی بوده در صورت دستگیری قصاص خواهد شد؟ محسن زالی بوئینی، قاضی شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران که سال‌ها است به پرونده‌های قتل رسیدگی می‌کند و اشراف کافی به چنین پرونده‌هایی دارد در گفت‌وگو با همشهری به بررسی حقوقی این پرونده جنجالی پرداخت. او می‌گوید: در مورد مرد محیط‌بان با وجود صدور حکم قصاص و تأیید در دیوان عالی کشور، اعاده دادرسی پذیرفته شده بود. از طرفی پذیرش رسیدگی دوباره به پرونده به منزله بی‌اعتبار شدن رأی قبلی (قصاص) نیست و رأی صادر شده قبلی هنوز معتبر است. نکته این است که دیوان عالی کشور پس از دریافت درخواست اعاده دادرسی به لحاظ شکلی آن را می‌پذیرد و تجویز می‌کند که دوباره به پرونده رسیدگی شود. در نهایت این دادگاه است که باید این موضوع را بی‌پدر و حکم صادر کند. این قاضی با سابقه دادگسری ماجرای را که اتفاق افتاده به زبان ساده‌تر اینطور بیان می‌کند: یک نفر به قصاص محکوم شده است و تشریفات قضایی نیز انجام شده است؛ اما شخصی بدون اجازه دادگاه خودش حکم قصاص را اجرا کرده است. این عمل شامل بند پ ماده ۳۰۲ قانون

همیشه برای

کونه از حادثه

اسید پاشی مرد معتاد برای فرار از دست پلیس

وقتی مأموران پلیس برای اجرای حکم قضایی و دستگیری مردی معتاد راهی مخفیگاه او شدند، وی برای فرار از دست مأموران به روی آنها اسید پاشید و انفرا را مصدوم کرد. به گزارش همشهری، پنجشنبه گذشته ۲نفر از مأموران پلیس شهرستان ملکان در انداز آن‌را پایجان شرقی برای دستگیری فرد معتادی که حکم بازداشت و انتقال او به کمپ از سوی قاضی صادر شده بود، راهی مخفیگاه این مرد شدند. مأموران پلیس یک افسر کادری و یک سرباز وظیفه بودند که وقتی به خانه متهم رسیدند، زنگ در را زدند و از وی خواستند خودش را تسلیم کند. مرد جوان از چند روز قبل تر خبر داشت حکم بازداشت و انتقال او به کمپ صادر شده و به‌زودی پلیس برای دستگیری او خواهد آمد؛ به همین دلیل یک ظرف اسید تهیه کرده و همیشه همراه خود داشت تا در صورت مواجهه شدن با مأموران از آن برای تهدید افراد استفاده کند. روز پنجشنبه نیز مرد معتاد با دیدن مأموران به سراغ ظرف اسید رفت و تهدید کرد که اگر کسی جلویباید اقدام به اسیدپاشی خواهد کرد. وقتی مأموران از وی خواستند خودش را تسلیم کند و از آنجا فرار کرد و به سمت آنها پاشید و اقدام به فرار کرد.

تهدید دوباره
سرباز جوان و افسر پلیس که به‌صورت جزئی دچار سوختگی شده بودند ماجرا را به مرکز گزارش کردند و با حضور اورژانس به بیمارستان انتقال یافتند. این در حالی بود که تیم دیگری از مأموران برای دستگیری مجرم خطرناک وارد عمل شدند و با شناسایی محلی که وی به آنجا ریخته بود، راهی این محل شدند. طولی نکشید که مرد اسیدپاش به محاصره پلیس درآمد و مأموران از وی خواستند که خودش را تسلیم کند. وی که همچنان بطری حاوی اسید همراهش بود بار دیگر تهدید کرد که اگر کسی جلو بیاید اقدام به اسیدپاشی خواهد کرد و هم‌زمان بطری خود را به سمت مأموران گرفت اما پیش از اینکه اقدام به پاشیدن اسید روی آنها کند، مأموران با رعایت قانون استفاده از سلاح اقدام به شلیک گلوله کردند و وی زمینگیر شد. به گفته سرهنگ علی رحجانی، فرمانده انتظامی شهرستان ملکان، پس از دستگیری متهم، پرونده وی در اختیار مرج قضایی قرار گرفت.

داماد عصبانی خون به پا کرد

داماد عصبانی که با خانواده همسرش دچار اختلاف و درگیری شده بود مادر و برادر همسرش را با چاقو به قتل رسانده و ۳نفر دیگر را نیز مجروح کرده بود ساعتی پس از جنایت دستگیر شد. به‌گزارش همشهری، این جنایت در ارومیه اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که مرد جوان از مدتی قبل با خانواده همسرش دچار اختلاف و کشمکش شده بود. وقتی آنها نتوانستند این اختلاف را از راه‌های مسالمت‌آمیز برطرف کنند کار به خشونت کشیده شد تا اینکه جوان روز حادثه با چاقو به سوی مادر و برادر همسرش حمله کرد و آنها را به قتل رساند. او در ادامه یک دستگاه خودروی پژو پارس متعلق به خانواده همسرش را که ۳نفر از اعضای خانواده او داخلش بودند را به آتش کشید که این اقدام نیز موجب مصدومیت هر ۳نفر شد.

به‌دنبال این جنایت، متهم از محل حادثه گریخت و تلاش کرد تا از ارومیه دور شود اما ساعتی بعد مأموران پلیس توانستند او را دستگیر کنند. سردار جهانبخشش، فرمانده انتظامی استان آذربایجان غربی با اعلام جزئیات این پرونده گفت: در پی وقوع این جنایت در یکی از محله‌های ارومیه، رسیدگی به آن به‌صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت تا اینکه با اشراف اطلاعاتی و اقدامات فنی پلیس، در نهایت قاتل هنگام فرار در یکی از خروجی‌های شهرستان ارومیه دستگیر شد.

او درباره انگیزه متهم نیز گفت: متهم در بازجویی‌ها انگیزه‌اش از ارتکاب جنایت را اختلاف خانوادگی اعلام کرد و هم‌اکنون با صدور قرار قانونی در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

۴کشته در سقوط مینی‌بوس کارگران به دره

به‌دنبال سقوط مینی‌بوس حامل کارگران فصلی به دره‌ای در استان بوشهر ۳کارگر جانشان را از دست دادند. به‌گزارش همشهری، این حادثه حدود ساعت ۱۵:۳۰ شبیه گذشته در جاده پشت‌پر به تنگ ارم در شهر سان دشتستان استان بوشهر رخ داد. مینی‌بوسی که با ۱۷سرنشین در این مسیر در حرکت بود ناگهان از جاده منحرف و واژگون شد و پس از آن نیز به داخل دره سقوط کرد.

مسافران مینی‌بوس کارگران فصلی بودند که در اراضی کشاورزی جوچه‌فرنگی در منطقه پشت‌پر کار می‌کردند و آن روز سوار بر مینی‌بوس در حال برگشت به خانه بودند که دچار حادثه شدند. وقتی حادثه به تیم‌های امدادی گزارش شد، امدادگران هلال احمر راهی محل حادثه شدند و در همان ابتدا مشخص شد ۴نفر از مسافران مینی‌بوس که کارگران اهل روستای دهرود بودند جانشان را از دست داده‌اند. ۱۵سرنشین دیگر که مجروح شده بودند با آمبولانس به بیمارستان انتقال یافتند و اقدامات پزشکی برای درمان آنها آغاز شد اما ۲نفر از این افراد چنان حالشان وخیم بود که جانشان را از دست دادند و به این ترتیب شمار قربانیان حادثه به ۴نفر رسید. بر سرهای کارشناسان پلیس برای مشخص شدن علت این حادثه ادامه دارد.

